

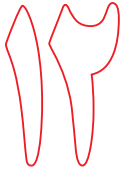
## تاریخ و اندیشه

www.ebtekarnews.com

**پنجشنبه**

**۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۶**

شماره ۳۷۱۰



### ساعت شنی



### ابوالحسن بنی صدر

پهمن ۱۳۵۸ تا خرداد ۱۳۶۰



بازسازی اقتصادی، تامین امنیت و گسترش فرهنگ اسلامی است.

### محمدعلی رجایی

مرداد ۱۳۶۰ تا ۸ شهریور ۱۳۶۰



جمهوری او کوتاه بود و در کمتر از یک ماه، هشتم شهریورماه ۱۳۶۰ در بمب‌گذاری دفتر نخست‌وزیری به شهادت رسید

### آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای

مهو ۱۳۶۰ تا خرداد ۱۳۶۸



قطع می‌کنم.» ایشان دو دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران را برعهده داشتند.

### آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی

مرداد ۱۳۶۸ تا مرداد ۱۳۷۶



بچرخد. شعاراصلی او توسعه اقتصادی بود؛ می‌خواست کشاورزی و صنایع را توسعه و بازار را رونق دهد. آقای رفسنجانی در این دوره، فقط یک رقیب داشت و بیش از ۱۶ میلیون رای آورد. او با همین برنامه‌ها برای بار دوم رئیس جمهور شد. دولت او دولت سازندگی لقب گرفت.

### « رئیس دولت اصلاحات»!

مرداد ۱۳۷۶ تا مرداد ۱۳۸۴



۲۱ میلیون رای انتخاب شد.

### محمود احمدی‌نژاد

مرداد ۱۳۸۴ تا مرداد ۱۳۹۲



مشکلاتی مثل مسکن و اشتغال را حل کند. احمدی‌نژاد در انتخابات جنجالی سال ۸۸ با شعار عدالت و مهرورزی برای چهار سال دیگر بر مسند ریاست جمهوری تکیه زد.

### حسن روحانی

مرداد ۱۳۹۲ تا مرداد ۱۳۹۶



چهار سال پیش حسن روحانی در یازدهمین دور از انتخابات ریاست جمهوری به عنوان هفتمین رئیس جمهور ایران سوگند خورد. او در این دور از انتخابات بیش از ۱۸ میلیون رای کسب کرد. شعار او اعتدال‌گرایی و تنش‌زدایی بود. روحانی می‌گفت کلیدی برای باز کردن قفل‌ها و گرم‌های سیاسی و اقتصادی دارد.



فکر و اندیشه

روزگار هر روز می‌گذرد و هر روز با ما می‌آید و هر روز با ما می‌رود. روزگار را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد؛ روزگار روزگار است و روزگار ما. روزگار روزگار است و روزگار ما. روزگار روزگار است و روزگار ما. روزگار روزگار است و روزگار ما.

روزگار روزگار است و روزگار ما. روزگار روزگار است و روزگار ما. روزگار روزگار است و روزگار ما. روزگار روزگار است و روزگار ما. روزگار روزگار است و روزگار ما.

روزگار روزگار است و روزگار ما.

روزگار روزگار است و روزگار ما. روزگار روزگار است و روزگار ما. روزگار روزگار است و روزگار ما. روزگار روزگار است و روزگار ما. روزگار روزگار است و روزگار ما.

روزگار روزگار است و روزگار ما. روزگار روزگار است و روزگار ما. روزگار روزگار است و روزگار ما. روزگار روزگار است و روزگار ما. روزگار روزگار است و روزگار ما.

##### فلسفه انتخابات و جامعه سیاسی

با فرض اجتماع‌پذیری انسان، جامعه انسانی را می‌توان در سه جلوه طبیعی، مدنی و سیاسی قابل تصور دانست:

– جامعه طبیعی‌ای که از خانواده شروع و به اقوام و قبایل بزرگ منتهی می‌شود؛

– جامعه مدنی که از برکت علائق، منافع و اندیشه‌های مشترک افراد انسانی به وجود می‌آید؛

– جامعه سیاسی عبارت از مجموعه افرادی است که با مشترکات منسجم تباری، زبانی، دینی و مذهبی و جغرافیایی در سرزمین معین تحت حاکمیت مشخص به نام ملت به‌طور مستمر و پایدار با یکدیگر زندگی می‌کنند.
 – جامعه سیاسی، دو عنصر «آزادی» فردی و «قدرت» حکومتی، رودرروی یکدیگر قرار می‌گیرند. در نهاد «آزادی» «رهایی» و در نهاد قدرت «استیلا» نهفته است. در عین تنازع ذاتی که بین عناصر آزادی و قدرت وجود دارد، در تلازم این دو عنصر تردیدی نیست. در این تلازم، سیال بودن قلمرو قدرت و قلمرو آزادی، و در حالت را متصور به ذهن می‌کند: حالت اول، غلبه قدرت و محدود شدن عرصه آزادی است که حاصل آن تشکیل حکومت استبدادی است؛ حالت دوم، غلبه آزادی و محدود شدن قدرت است که به تشکیل حکومت مردم‌سالار می‌انجامد

در حالت دوم که آزادی و ابتکار عمل فردی با به کار افتادن اجتماع‌پذیری افراد یک جامعه منجر به انعقاد قرارداد اجتماعی می‌شود، دموکراسی فضای جامعه را دربرمی‌گیرد و مردم ابتکار عمل مشترک در حاکمیت بر سرنوشت خویش را دارا می‌شوند.

##### مردمسالاری

مردمسالاری نشان‌دهنده مشارکت اکثریت مردم در امور حکومت بر مردم و برای مردم است. دموکراسی مفهوم ظاهرا شناخته شده و متداول در اکثر کشورهای جهان است. اما مهم‌تر درک دموکراسی است که هنوز آنگونه که باید و شاید در باور قلبی همگان قرار نگرفته است. درک دموکراسی مستلزم درک اصول دموکراسی است. این اصول را به ترتیب بنیادی و تضمینی می‌توان دسته‌بندی کرد:

الف) اصول بنیادی دموکراسی: دموکراسی متکی به اصول زیر است:

– همگانی بودن مشارکت شهروندان: این مشارکت وقتی مطلوب خواهد بود که متفکرانه باشد و همگان با برخورداری از فهم و شعور و رشد سیاسی و با قصد انشا در حاکمیت بر سرنوشت خویش مشارکت داشته باشند. در اینجا، به قول مرحوم شریعتی باید بین دموکراسی «رای‌ها» و «راس‌ها» قائل به تفکیک شد.

– آزادی مشارکت: اگر دموکراسی را ابتکار عمل مردم بدانیم، هرگونه اقدام حکومتی که مردم را با تحمیل قدرت، عقیده یا هرگونه شیوه القایی وارد عرصه سیاست کند، دموکراسی را از حقیقت به مجاز تبدیل خواهد ساخت.

– برابری در مشارکت: با قبول اصل برابری، هرگونه تبعیضی که ابتکار عمل همه مردم را سلب کند، مخل اصل بنیان دموکراسی خواهد بود.

– کثرت‌گرایی اندیشه‌ها: در جامعه انسانی فکر و اندیشه

## سالروز فروپاشی رژیم دیکتاتوری «موبوتو سه‌سه‌سکو» در کنگو



سالروز فروپاشی رژیم دیکتاتوری «موبوتو سه‌سه‌سکو» در کنگو

ژنرال ژوزف موبوتو معروف به موبوتو سه‌سه سکو، رئیس ستاد ارتش کنگو بود، ولی در ۲۵ نوامبر ۱۹۶۵م طی کودتایی، زمام امور را به دست گرفت. وی پس از آن، با اتخاذ روشی خودکامه، از اختیارات مجلس کنگو کاست و با حذف پست نخست‌وزیری، کلیه اختیارات کشور را در دست خود گرفت. موبوتو ضمن تغییر نام کنگو به زئیر، به تقلید از چین، نوعی انقلاب فرهنگی به راه انداخت و در جریان این انقلاب که آن را بازگشت به خویشتن نامید، اقدامات مضحک و مبتذلی انجام داد. این مسئله باعث شد تا جریان غرب‌گرایی، بار دیگر به عنوان یک اندیشه مترقی توسط او به کشور باز گردد. برقراری روابط با رژیم صهیونیستی، حمایت از شورشیان آنگولا، برگزاری انتخابات تحت فشارهای بین‌المللی، سرکوبی اعتراضات مردمی و دانشجویی از اقداماتی بود که در زمان حکومت سه‌سه‌سکو انجام شد.

### نهاده‌های مردمسالاری باز خوانی شد

# دموکراسی زیر چتر انتخاب



مقدمه عمل است. حاصل آزادی فکر و اندیشه برای افراد بروز و ظهور اندیشه‌های متفاوت و متعددی است که انسان‌ها را متفکرانه وارد عرصه جامعه و سیاست می‌کند. انحصار فکری نوعی انحصارطلبی است که عرصه را بر بسیاری از افراد جامعه تنگ می‌کند که در این صورت، دموکراسی مفهوم بی‌مسمایی خواهد بود.

– کثرت‌گرایی نهادها: کثرت اندیشه در کنار اجتماع‌پذیری افراد انسان، خود به خود موجب اتحاد و انسجام همفکران در قالب گروه‌ها و احزاب می‌شود. انکار احزاب و گروه‌ها و محروم ساختن آنان از مشارکت ساده‌اندیشی ناخرمدانان‌ای است که هیچگاه دموکراسی را به کمال مطلوب خود راهبری نمی‌کند.

– تصمیم اکثریت و حقوق اقلیت: با وجود کثرت‌گرایی، اتفاق آرا اصولاً میسر نیست. به همین جهت، برای نیل به یک نتیجه قابل قبول، رای اکثریت را می‌توان راهکاری منطقی در عرصه دموکراسی دانست. البته، رای اکثریت به معنای مرگ جامعه نیست. بنابراین، اقلیت باید از همه حقوق مشارکتی یک جامعه دموکراتیک برخوردار باشند.

ب) اصول تضمینی دموکراسی

دموکراسی در عین اصالت و مطلوبیت، از آنجا که دربرگیرنده «قدرت» است، می‌تواند آسیب‌پذیر باشد، تا جایی که بزرگان آن راه به «استبداد اکثریت» تشبیه کرده‌اند. اندیشمندان، با اذعان به اینکه «قدرت فساد می‌آورد» برای تضمین دموکراسی، اصولی را بیان کرده‌اند که بدان‌ها اشاره می‌کنیم:

– تناوب قدرت و محدودیت دوره حکومت: با قبول استعداد استیلایی که در قدرت نهفته است، ممکن است حاکم صاحب قدرت مردمی‌نیز دچار وسوسه‌های خودخواهانه شود. برای احتراز از این فساد قویا محتمل، محدودیت دوره حکومت انتخابی مورد تأکید است. در این راستا، تجربه نشان داده است که در جریان انتخابات در دوره‌های متعدد این محدودیت دوره منجر به جابه‌جایی قدرت بشود.

– تفکیک قوا: قدرت فساد می‌آورد، خصوصاً آنکه این قدرت در ید فرد یا گروه واحد باشد. برای جلوگیری از این فساد، تفکیک قوا راهکاری است که اندیشمندان آن را توصیه و جوامع سیاسی آن را تجربه کرده‌اند.

– حاکمیت قانون: قانون نه‌تنها از هرچ‌ومرح رفتاری حکام جلوگیری می‌کند؛ بلکه مانع خودسری و اعمال خودخواهانه حکام نیز خواهد بود که با بهانه قرار دادن نمایندگی مردم و با تحمیل علائق خود بر مردم، بر این امانت مردمی خیانت خواهند کرد.

– مسوولیت: با قبول اصل حاکمیت قانون باید حکام بر اساس قانون عمل کنند و در صورت تخلف از قانون یا تجاوز با قانون باید مسوول شناخته شوند. مسوولیت فی الواقع ضمانت اجرای دموکراسی و حاکمیت قانون است. در غیر این صورت دموکراسی و عناصر و ارکان آن بازپچه‌ای بیش نخواهد بود.

##### انتخابات

با قبول حاکمیت مردم بر سرنوشت سیاسی خویش،

مشارکت آنان در انتخاب حکام یکی از زمینه‌های بارز این حاکمیت خواهد بود. به عبارت دیگر، انتخابات راهکار تحقق و اعمال دموکراسی است. انتخابات ابزار مشارکت سیاسی همگان و زمینه‌ساز همکاری و تعامل و عملی ساختن حق مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش به عنوان یک حق فطری و خدادادی است. تحقق انتخابات آزاد و منصفانه مبتنی بر شرایط زیر است:

الف) شرایط مبنایی انتخابات آزاد و منصفانه

انتخابات آزاد و منصفانه صرفا در یک جامعه سالم، آزاد و فراگیر میسر است. این جامعیت در تحقق شرایط خاص حاصل می‌شود:

– آزادی عقیده: آزادی عقیده عبارت از این است که افراد بتوانند، به انتخاب خود، در هر زمینه‌ای اشتغال ذهنی داشته باشند، خواه این اشتغال امری باطنی و درونی و خواه به صورت موضوعی‌ر عمومی باشد؛ یعنی اینکه هر کس بتواند، به دور از هر تحمیل و فشاری، ببیندیشد و بدون ترس، باور خود را بیان کند. در نظام‌های سیاسی مختلف موجود، آزادی عقیده بستگی تمام به مسلک و مرام رایج یا حاکم بر جامعه دارد:

– در دولت‌های مکتبی، آزادی عقیده، در جهت حاکمیت آن مکتب، خود به خود با پارهای محدودیت‌ها مواجه خواهد بود. بدیهی است که این محدودیت می‌تواند عرصه را بر مشارکت سیاسی و انتخابات تنگ کند.

– در دولت‌های استبدادی اصولا هیچ جایی برای آزادی عقیده سیاسی وجود ندارد و هیأت حاکمه برای بقای خود، راه را بر هرگونه اظهار عقیده سیاسی می‌بندند.
 – در دولت‌های آزاد متمایل به یک گرایش عقیدتی برگزیده، حکومت در مقام بیان آن موضع تحمیلی به خود نمی‌گیرد و در برخورد با عقاید دیگران سیاست تساهل و بردباری را اعمال می‌کند. بدیهی است که با این سیاست عرصه بر انتخابات تنگ نمی‌شود؛ هرچند که الهام از مکتب غالب می‌تواند پارهای آثار محدودکننده در انتخابات خصوصا برای تصدی در مقامات عالی را داشته باشد.

– در دولت‌های آزاد خارج از سلک دینی و مذهبی خاص، حکومت با فاصله گرفتن از موضوعی‌رهای مسلکی، بحث و جدل درباره مکاتب را به میادهل افکار آزاد جامعه می‌سپارد. بدیهی است که مشارکت در انتخابات سالم و منصفانه در چنین جامعه‌ای بیشتر میسر خواهد بود.

– آزادی بیان: آزادی بیان در دو قلمروی فردی و اجتماعی قابل توجه است: در قلمرویی فردی همان آزادی عقیده و بیان آن است که بدان اشاره شد. در قلمرو اجتماعی از آزادی بیان، تحت عنوان آزادی اطلاعات، یاد می‌شود. آزادی اطلاعات از طریق مطبوعات و رسانه‌های گروهی صورت می‌گیرد. نقش مطبوعات در افزایش معلومات عمومی، بر برخورد اندیشه‌ها، آگاهی عموم و طرد و نفی خودمحموری و خودکامگی و حاکمیت افکار سالم بر اعمال حکومتی بسیار شاخص و برجسته است. از آنجا که مطبوعات در اکثر موارد دولت را مورد خطاب قرار می‌دهند و

### توسعه سیاسی در ایران

توسعه سیاسی وقتی است که همه مردم، از برکت رشد فکری و درک مراتب تفاهم و همبستگی، در تعیین سرنوشت سیاسی خویش ابتکار عمل داشته باشند. اصل حاکمیت افراد بر تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش، در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی مورد توجه قرار گرفته است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حق مطلب را ادا کرده است. اما اعمال صحیح این حق همه‌جانبه مردمی وقتی میسر خواهد بود که جامعه به توسعه سیاسی نائل شده باشد. لازم‌این فضای سیاسی مطلوب و همبستگی آفرین که اصل برادری را به ذهن متبادر می‌سازد، تحمل سیاسی و برخورد اندیشه‌ه‌است که نهایتاً می‌تواند منجر به الفت قلوب بین اقشار مختلف جامعه شود. شاید آرزوی به‌جایی باشد که همه افراد در صفی متحد حرکت کنند؛ اما به دلیل اختلاف و تنوع فکری موجود در جامعه، این اتحاد و یکدستی عملاً امکان‌پذیر نیست. در این حالت، چنانچه دولتمردان متکی بر اریکه قدرت سیاسی، برای حفظ مناسب خود، گام در راه انحصارطلبی بردارند و رقبای سیاسی خود را از میدان به در کنند، دوستی‌ها متلاشی و برادری‌ها فراموش می‌شود و دشمنی‌های سیاسی بالا می‌گیرد. ادامه این روند تأسفیکار، انحصارطلبی را در دایره کوچکتری قرار می‌دهد و رقابت‌ها افزایش می‌یابد و بدین طریق، جوی از عدم اعتماد سیاسی جامعه را فرا می‌گیرد و پوچی جایگزین تعاون و برادری‌های سازنده می‌شود. برای جلوگیری از پراکندگی و نلین به همبستگی واتحاد، چاره کار تحمل متقابل رقبای سیاسی است. این تحمل سیاسی را می‌توان، با قبول اصل کثرت‌گرایی فکری و گروهی، از طریق اطلاعات آزاد و مطبوعات و آزادی احزاب و اجتماعات، همراه با رقابت‌های فکری و سیاسی مسالمت‌آمیز تجربه کرد.